

تفکر استراتژیک در مقابل برنامه ریزی استراتژیک

تفکر استراتژیک چیست؟

مینتزربرگ **تفکر** استراتژیک را به عنوان یک روش تفکر متمایز توصیف می‌کند که از شهود و خلاقیت استفاده می‌کند و نتیجه آن "چشم انداز یکپارچه شرکت" است.

تفکر استراتژیک همان تهیه یک برنامه استراتژیک نیست، که جزئیات تاکتیک‌هایی را که برای دستیابی به اهداف باید اتخاذ شود، ذکر کند.

تفکر استراتژیک، تفکری است که به مفاهیم گسترده و عمومی کمک می‌کند که جهت آینده سازمان را بر اساس شرایط محیطی پیش بینی شده، متمرکز می‌کنند.



مزیت رقابتی و تفکر استراتژیک

تفکر استراتژیک موثر منجر به مزیت رقابتی می‌شود:

تفکر استراتژیک یک فعالیت تفکر فردی است که به نفع سازمان‌هاست.

هدف آن کشف استراتژی‌های رقابتی برای موقعیت یابی سازمان به طور متفاوت با وضعیت فعلی است.

در تمایز تفکر استراتژیک از برنامه ریزی استراتژیک، مینتزربرگ پیشنهاد می‌کند که هر یک به انواع مختلفی از

تفکر نیاز دارد: برنامه ریزی استراتژیک به فرایندهای خطی، تحلیلی نیاز دارد و تفکر استراتژیک شناخت بصری

و بازتر را ضروری می‌کند.

• شخصی تفکر استراتژیک را به عنوان "آخرین ابزار تفکر غیر خطی" توصیف می‌کند.

نظریه پردازان بازی و تفکر استراتژیک

نظریه پردازان بازی، تفکر استراتژیک را به عنوان هنر پیشی گرفتن از یک دشمن تعریف می‌کنند، بدانند که

دشمن سعی می‌کند همان کار را با شما انجام دهد.

برخی دیگر مانند مور معتقدند که این روش در محیط پیچیده و بهم پیوسته ما بیش از حد ساده است.
برنامه ریزی استراتژیک چیست؟

برنامه ریزی استراتژیک مربوط به تجزیه و تحلیل است یعنی ایجاد و رسمیت بخشیدن به سیستمها و روشها. از دهه ۱۹۶۰، نظریه پردازان بر توسعه و اجرای موفقیت آمیز یک برنامه استراتژیک، یک راهنمای رسمی و آگاهانه از اهداف سازمان، به عنوان وسیله حیاتی دستیابی سازمان به مزیت، تأکید کرده‌اند. روش سنتی برنامه ریزی فرض می‌کند که چالش تعیین جهت استراتژیک در درجه اول تحلیلی است.



SWot چیست؟

SWot یا تجزیه و تحلیل نقاط قوت، ضعف، فرصتها و تهدیدها، یک فعالیت کلیدی است که هم در سطح محیطی و هم در سطح سازمانی انجام می‌شود و به برنامه ریزی اساسی کمک می‌کند.



برنامه ریزی استراتژیک غالباً یک رشته خطی یا منظم است که ممکن است شامل ابتکاری باشد اما تمرکز اصلی این است که هدف را به مراحل مختلف تقسیم کنید، عواقب احتمالی هر مرحله را مشخص کنید و نحوه اجرای مراحل را تعیین کنید.

برنامه استراتژیک به پایان رسیده معمولاً شامل بیانیه‌های مأموریت و چشم انداز، اعلام ارزش‌های سازمانی و ارائه اهداف است.

تفکر استراتژیک در مقابل برنامه ریزی استراتژیک

در حالی که برنامه ریزی عملکردی نهفته در تصمیم‌گیری کلی در سازمان است، اما تفکر استراتژیک هنگام شکل‌گیری بینشی متفاوت از آنچه در حال حاضر زندگی می‌کند، نیاز به ترکیب بیشتری از بازی‌های خلاقانه و ابتکاری دارد.

فعالیت‌هایی که باعث ایجاد تفکر استراتژیک می‌شوند، آزاد هستند و با تمرکز بر گزاره‌های نوظهور، دیدگاه‌های مختلف و همگرایی معلق شکل می‌گیرند.

تفکر استراتژیک برنامه ریزی استراتژیک، مدیریت استراتژیک را تکمیل می‌کند، اما پاسخ سریع و خلاقانه‌تری به تغییر را می‌دهد، زیرا برنامه ریزی استراتژیک مبتنی بر تفکر منطقی و خطی است که برای تسهیل پیشرفت فقط در یک موقعیت استراتژیک پذیرفته شده استفاده می‌شود.

از نظر یک متفکر منطقی این نوع تعامل ذهنی ممکن است بی نتیجه یا اتلاف وقت به نظر برسد، زیرا نتیجه قابل اندازه‌گیری را در طی فرایند تفکر استراتژیک پیش فرض نمی‌گیرد.

تفکر استراتژیک، فرمول بندی و اجرای استراتژی را به جای فرآیندهای تعاملی و منظم، که در فرآیندهای برنامه ریزی سنتی سازمانی مشهود است، قرار می‌دهد.

در حالی که تفکر استراتژیک معطوف به یک چشم انداز کلی از آینده است، برنامه استراتژیک آینده‌ای را می‌بیند که با جزئیات مقرر قابل پیش بینی و اندازه‌گیری است.

